

هم‌پیوندی با اقتصاد جهانی

اهرم اصلی رشد و پیشرفت آینده کشور

کورس صدیقی

بین‌المللی و زنجیره‌ها و شبکه‌های ارزش جهانی و... میسر خواهد بود.

شناخت مجموعه این تحولات و گرایش‌ها با عنوان جهانی شدن اقتصاد و صنعت و چگونگی عملکردهای این فراگرد و تأثیر آن بر جریان رشد و توسعه اقتصادی-صنعتی کشورهای در حال توسعه از اهمیت ویژه‌ای در اتخاذ راهبرد توسعه اقتصادی-صنعتی کشور برخوردار است و اهرم اصلی رشد و توسعه اقتصادی در سال‌های آینده به شمار می‌رود.

جهانی شدن: چارچوب مفهومی

پدیده جهانی شدن فرآیندی تاریخی و پیچیده است که از نظر مفهومی ابعاد متنوع و گوناگونی دارد. در بعد اقتصادی-صنعتی آن تعابیر متعددی از دیدگاه‌های مختلف مطرح شده است که پاره‌ای از آن‌ها را می‌توان چنین برشمرد:
- گسترش مبادلات کالا، سرمایه و تکنولوژی در سطح بین‌المللی همراه با رشد سریع تر تجارت نسبت به تولید

در آینده‌نگری‌های بلندمدت و طراحی و تدوین طرح‌های توسعه اقتصادی-صنعتی آینده کشور، تبیین فضای بین‌المللی و تحولات و گرایش‌ها و چشم‌اندازهای اقتصاد جهانی به منزله محیط حاکم بر تحولات اقتصاد ملی کشور شرط لازم برای ارائه واقع‌گرایانه هدف‌ها، راهبردها و سیاست‌های توسعه به شمار می‌رود.

اهمیت این مطلب از آن باب است که بسرپایی جامعه‌ای پیشرفته و برخوردار از صنعتی توانمند، پویا، رقابت‌پذیر و قابل انعطاف در شرایط جدید بین‌المللی تنها از طریق شناخت قانونمندی‌ها، الزامات و گرایش‌ها و دگرگونی‌های اقتصاد جهانی و از جمله گسترش بازارها، ظهور شرایط رقابتی نوین، رشد مبادلات کالاها، خدمات و جریان‌های سرمایه‌گذاری و تکنولوژی، تعاملات تجاری، پولی، مالی و صنعتی در سطح بین‌المللی، برقراری همکاری‌های غیرمستقیم بر مالکیت نظیر پیمان‌های استراتژیک و ائتلاف‌های صنعتی، شکل‌گیری تولید

افزایش سریع تر سرمایه گذاری خارجی نسبت به تجارت (مفهوم تجربی)

- ادغام بازارهای ملی، کم رنگ شدن مرزهای حاکمیتی و ظرفیت های سیاست گذاری مغایر با قواعد، قانونمندی ها و روابط و مناسبات بین المللی (مفهوم اقتصاد سیاسی) - در هم آمیزی بازارها و تسطیح قیمت ها (قیمت کالاها، نرخ بهره، دستمزدها و...) در سطح بین المللی (مفهوم عملکردی)

- رشد وابستگی های متقابل به ویژه در حسوزة تولید صنعتی - خدماتی ناشی از تخصصی شدن فعالیت ها، شکل گیری زنجیره های ارزش جهانی و نظام نوین تقسیم کار بین المللی (مفهوم صنعتی)

اهمیت شناخت این مفاهیم از آن باب است که شکل گیری دگرگونی های ساختاری - سیاستی طی دو دهه اخیر و به ویژه در سال های پایانی قرن بیستم و اکنون در آغاز هزاره سوم به گونه ای است که همه کشورها و به ویژه کشورهای در حال توسعه را مجبور می سازد که در مسیر تحولات اقتصادی - صنعتی آینده خود از الگوهای رفتاری و آرایش های اقتصادی - فنی واحدی پیروی کنند. این حرکت فراگیر و گرایش های مسلط ناشی از عملکرد نیروهای پیش برنده جهانی شدن طبعاً مقوله ای واقعی و غیرانتخابی است که تنها در انطباق - و نه معارضه - با آن می توان استراتژی توسعه اقتصادی - صنعتی کشور را تنظیم و به اجرا در آورد.

شاخص ها و ویژگی های جهانی شدن اقتصاد:

آزادسازی و ایجاد فضای سیاسی مناسب برای مبادلات تجاری، انتقال سرمایه و تکنولوژی و همچنین پیشرفت های فنی به ویژه انقلاب در فناوری ارتباطات و انفورماتیک به یک تعبیر زیربنایی اصلی تحولاتی است که در ساختار اقتصاد جهانی و در مناسبات اقتصادی - صنعتی کشورها ظرف دو دهه اخیر رخ داده است.

این دگرگونی ها موجب شده است که از یک سو عوامل بازدارنده و موانع مصنوعی تجارت، سرمایه گذاری و مبادلات و همکاری های فنی و درهم آمیزی های اقتصادی - صنعتی که ریشه در نهادسازی ها و اتخاذ اعمال مکانیزم های حمایتی تعرفه ای و غیرتعرفه ای و همچنین مقررات و رژیم های تجاری - ارزی محدودکننده و نظایر آن داشته از میان برداشته شود و از سوی دیگر محدودیت های ناشی از فواصل زمانی و مکانی یعنی موانع طبیعی مبادلات اقتصادی - تجاری - صنعتی از طریق پیشرفت های فنی در حوزه ارتباطات، حمل و نقل و انفورماتیک به شدت کاهش یافته و همراه با تقلیل هزینه مبادلات امکان ادغام بازارهای کالاها، خدمات، تکنولوژی و سرمایه در سطوح منطقه ای و فرامنطقه ای فراهم گردد و زمینه های شکل گیری فرآیندهای تولید بین المللی، رشد و تغییرات ساختاری تجارت و سرمایه گذاری و همچنین

بین المللی شدن اطلاعات و دانش در فضای جدید اقتصاد جهانی بنیان نهاده شود.

گسترش تجارت، سرمایه گذاری و وابستگی های متقابل بین المللی:

در سال های بعد از جنگ جهانی دوم و به ویژه در دو دهه اخیر، تجارت جهانی نسبت به تولید جهانی همواره رشدی سریع تر داشته است. شاخص ارزش صادرات کالایی در جهان در دوره ۲۰۰۰-۱۹۵۰ بیش از ۹۰ برابر شده است. طی همین دوره شاخص تولید ناخالص داخلی جهان ۶/۵ برابر شده است. صادرات کالایی جهان از ۵۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۴۸ به ۶۱۸۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته است. ظرف نیم قرن گذشته ترکیب تجارت کالایی جهان نیز به شدت متحول شده است. شاخص ارزش صادرات کالاها، کشاورزی، کانی ها و محصولات صنعتی در ۵۰ سال گذشته به ترتیب ۱۹۷/۳، ۸۴/۵ و ۱۹۴/۰ برابر شده است. درهم آمیزی اقتصادی بین المللی فرصت هایی را برای تخصصی شدن فعالیت ها فراهم آورده است و در نتیجه موجب افزایش وابستگی های متقابل جهانی شده است. مصادیق این مطلب را به وضوح می توان در تغییر ساختار تجارت جهانی مشاهده کرد. همراه با تغییرات نسبتاً پیوسته در تجارت بین المللی و جهت افزایش آن، توزیع مالکیت در جهان نیز بسیار دگرگون شده است. ظرف دوره ۲۰۰۰-۱۹۸۲ جریان های سرمایه گذاری مستقیم خارجی بیش از ۲۵ برابر شده و از ۵۹ میلیارد دلار به ۱۴۹۱ میلیارد دلار افزایش یافته است.

در حالی که مجموع صادرات کالاها و خدمات غیرعامل طی این دوره از ۲۱۲۴ به ۷۰۳۶ میلیارد دلار افزایش یافته است و بدین ترتیب سرمایه گذاری مستقیم خارجی اندکی کمتر از هشت برابر سریع تر از تجارت جهانی رشد کرده است. اطلاعات موجود نشان می دهد که آهنگ درهم آمیزی اقتصادی بین المللی از اواسط دهه ۱۹۸۰ تسریع شده و به ویژه از سال ۱۹۹۰ در مناطق در حال توسعه جهان به استثنای آفریقا و خاورمیانه شتاب قابل ملاحظه ای یافته است. موجودی (انباره) سرمایه گذاری مستقیم خارجی جهان در دوره ۲۰۰۱-۱۹۸۰ از ۶۳۵/۵ میلیارد دلار به ۶۸۴۵/۷ افزایش یافته است.

طی این دوره موجودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نیز به ترتیب از ۳۸۹/۷ به ۴۵۰۴/۱ و از ۲۴۵/۸ به ۲۱۸۱/۲ افزایش یافته است. در سال ۲۰۰۱ میلادی سهم آسیای غربی (شامل ایران) از مجموع موجودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی جهان تنها حدود ۰/۹ درصد بوده است.

گسترش و تعمیق پیوندهای تجاری کشورهای در حال توسعه با اقتصاد و با بازارهای جهانی و افزایش سهم این کشورها در جریان های سرمایه بین المللی از ویژگی های مهم



رشد و دگرگونی در ساختار تجارت و جریان‌های سرمایه بین‌المللی در دو دهه اخیر است. سهم کشورهای در حال توسعه در تجارت جهانی از ۲۳ درصد در سال ۱۹۸۵ به ۲۹ درصد در سال ۱۹۹۵ افزایش یافته است و در همین حال پیوندهای تجاری این کشورها با اقتصاد جهانی نیز تعمیق گردیده و متنوع شده است. سهم تجارت بین کشورهای در حال توسعه در مجموع تجارت این کشورها با جهان خارج از ۳۱ درصد در سال ۱۹۸۵ به ۳۷ درصد در سال ۱۹۹۵ افزایش یافته است و سهم کالاهای صنعتی در صادرات آن‌ها از ۴۷ درصد به ۸۳ درصد افزایش یافته است و این مطلب مبین گسترش و تعمیق فرایند توسعه صنعتی در این کشورهاست.

توسعه بازارهای مالی:

از اواخر دهه ۱۹۷۰ فرایند کنترل‌زدایی در بازارهای مالی از یک سو و تکنولوژی‌های جدید اطلاعات از سوی دیگر موجبات رشد سریع بازارهای مالی بین‌المللی را فراهم آورده است. حجم روزانه معاملات ارزی از ۲۰۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ به ۱۲۳۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵ و اکنون به ۱/۵ تریلیون دلار افزایش یافته است.

گسترش بازار و رقابت بین‌المللی:

توسعه صنعتی سال‌های بعد از جنگ در کشورهای در حال توسعه و ورود تدریجی کشورهای نوظهور صنعتی به جرگه کشورهای پیشرفته زمینه‌های گسترش بازار، شمار عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات و رقابتی شدید را در عرصه اقتصاد جهان فراهم آورده است. در عین حال با پایان جنگ سرد و دگرگونی‌های رژیم‌های سیاسی در اروپای شرقی و مرکزی که اکنون در پی استقرار اقتصادهای مبتنی بر بازارند و همچنین ابراز علاقه به بازار و آزادی اقتصادی در چین و گرایش‌های آزادسازی اقتصادی در هند زمینه‌های درهم آمیزی این کشورها (با حدود نیمی از جمعیت کره ارض) در اقتصاد جهانی فراهم شده است به گونه‌ای که شاید دیگر نتوان در آینده اندازه بازار را به منزله یک عامل محدودکننده استراتژی‌های صنعتی جهان قلمداد کرد.

جهانی شدن فعالیت‌های بنگاهی و بین‌المللی شدن تولید (پدیده فراملیتی شدن):

جهانی شدن فعالیت‌های بنگاهی در زمینه‌های صنعت و خدمات، بین‌المللی شدن تولید، گسترش تمرکز و انحصاری شدن منابع و قدرت اقتصادی یعنی قرار گرفتن بخش عمده و فزاینده‌ای از منابع، تولید و سهم بازار جهانی در اختیار شمار محدودی از شرکت‌های فراملی در مجموع یکی از وجوه مهم درهم آمیزی‌های اقتصادی بین‌المللی است. براساس برآوردهای موجود شمار شرکت‌های فراملیتی از هفت هزار شرکت اصلی و ۳۶ هزار شرکت وابسته در سال ۱۹۷۰ به ۶۵ هزار شرکت مادر و ۸۵۰ هزار شرکت وابسته در سال ۲۰۰۱ افزایش یافته است. در

همین سال موجودی سرمایه‌گذاری خارجی جهان که بیان‌گر مؤلفه سرمایه در تولید بین‌المللی است معادل هفت هزار میلیارد دلار و شمار شاغلان در بنگاه‌های خارجی وابسته به شرکت‌های فراملیتی حدود ۵۴ میلیون (در مقایسه با ۲۴ میلیون در سال ۱۹۹۰) بوده است. فروش شرکت‌های وابسته به شرکت‌های فراملیتی به منزله عواید حاصل از تولید بین‌المللی نیز در سال ۲۰۰۱ میلادی برابر ۱۸/۵ هزار میلیارد دلار (بیش از دو برابر صادرات جهان) و تولید ناخالص آن‌ها معادل ۱۱ درصد تولید ناخالص جهان را تشکیل می‌داده است. اکنون بیش از ۳۰ درصد تجارت جهانی به صورت مبادلات درون بنگاهی و در شبکه داخلی شرکت‌های فراملیتی انجام می‌شود و فعالیت‌های این شرکت‌ها به گونه مستقیم و غیرمستقیم بر ۷۰ درصد تجارت جهانی اثر می‌گذارد.

طی ۱۵ سال گذشته و در فرایند آزادسازی و رشد مبادلات و تحرک فوق‌العاده جریان‌های سرمایه و تکنولوژی در سطح جهانی و همچنین افزایش ارتباطات بین‌المللی و صرفه‌هایی مقیاس و تشدید رقابت جهانی، الگوها و انگاره‌های جدیدی در زمینه درهم آمیزی اقتصادی بین‌المللی شکل گرفته است و مرتباً نیز بر پیچیدگی آن افزوده شده است. در ساده‌ترین شکل درهم آمیزی، شرکت‌های فرعی وابسته به شرکت‌های فراملیتی با اختیارات کامل و نوعی استقلال نسبی در مقابل شرکت اصلی، نیازهای بازار داخلی کشور میزبان را تأمین کرده و بدین ترتیب بخش مهمی از فعالیت‌های ارزش‌افزا در درون کشور میزبان انجام می‌شود. شکل دیگر درهم آمیزی متضمن استقرار عملیات ساخت و مونتاژ (تولید) در خارج از مرزهای ملی (سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی) و یا تأمین نهاده‌ها و قطعات و اجزای مورد نیاز تولید (ساروش‌های پیمانکاری فرعی یا سرمایه‌گذاری مشترک، فروش لیسانس، فرانسیز و سایر ترتیبات قراردادی) از خارج است. در شکل‌های پیچیده‌تر، درهم آمیزی از محدوده انتقال عملیات تولید (ساخت، مونتاژ و تأمین نهاده‌ها) به خارج از مرزهای ملی فراتر رفته است و برای زنجیره‌های فعالیت‌های ارزش‌افزای مرتبط به تولید نظیر پردازش داده‌ها، حسابداری و امور مالی، تحقیق و توسعه و... براساس ضابطه تحقق بیشترین نسبت فایده - هزینه مکان‌ها و بازارهای مناسب انتخاب و فعالیت‌های تولید و خدمات مرتبط با آن به جایگاه‌های انتخاب شده انتقال داده می‌شود. بدین ترتیب امکانات ارتباطاتی سریع و کاهش شدید هزینه‌های ترابری به جهانی شدن تولید و توزیع و گسسته شدن رابطه دیرینه بین تولید و مکان تولید منجر شده و عملیات و خدمات مرتبط با تولید صنعتی در پایگاه‌های تولید ارزان و مناسب استقرار می‌یابد و این روندی عمده در نظم صنعتی فعلی و آینده جهان است.

نظام‌های نوین سازماندهی صنعتی:

در سال‌های آینده اشاعه نظام‌های نوین سازماندهی صنعتی

که از آن گاهی به شیوه‌های تولید قابل انعطاف و گاهی به رقابت جدید تعبیر می‌شود، فرایند در هم آمیزی بین‌المللی را به پیش خواهد برد. مهم‌ترین ویژگی نظام‌های نوین صنعتی کاهش اهمیت نسبی صرفه‌های مقیاس ناشی از تولید انبوه، فراهم شدن امکان تولید کارآمد در مقیاس‌های کوچک‌تر توأم با افزایش گسترش طیف محصولات تولیدی در هر واحد صنعتی و در نتیجه شکل‌گیری امکانات گسترده‌تر برای انطباق با شرایط تقاضا و بازار و همچنین سازگاری بیشتر آن با محدودیت‌های

بنگاه‌های کوچک و

متوسط است. کاهش

متوسط سیکل تولید،

افزایش هزینه‌های

توسعه محصول و

تحقیقات مرتبط با آن،

کاهش فاصله

زمانی بین

تحقیق و

توسعه و

عرضه

لوژیستیکی، شیوه‌های تازه سازماندهی، رقابت شدید در سطح جهانی و ضرورت مکان‌یابی مناسب برای استقرار فعالیت‌های تولیدی و همچنین اتخاذ رویکردهای نهادی-سیاستی و قواعد و ترتیبات جدید بین‌المللی دخالت داشته، موجبات دگرگونی عمیقی را در الگوهای تجارت کالایی و انگاره‌های رقابت‌پذیری صنعتی فراهم آورده است.

ظرف چند دهه گذشته سهم کالاهای نخستین و محصولات صنعتی متکی به منابع طبیعی در مجموع تجارت جهانی روندی رو به کاهش داشته است و در سال ۱۹۸۴ به رقمی کمتر از ۵۰ درصد و در سال ۲۰۰۰ به ۲۸ درصد تقلیل یافته

است. صادرات

محصولات متکی به

منابع طبیعی و همچنین

محصولات با محتوای

فناوری نازل به ترتیب در

اوایل دهه ۱۹۸۰ و اوایل

دهه ۱۹۹۰ به فراز عملکرد

خود رسیدند. اکنون

محصولات صنعتی

غیرمتکی به

منابع طبیعی، به

ویژه در رده‌های

بالای فناوری، پیشرانه

اصلی رشد صادرات در جهان

محسوب می‌شود، روندی که

در آینده نیز تداوم خواهد



محصول و زمان جایگزینی محصولات از جمله ویژگی‌های دیگر نظام‌های نوین سازماندهی صنعتی است. توسعه منابع و ارتقای توانمندی‌های انسانی، وجود شرایط رقابت در بازار داخلی و زمینه‌سازی برای ایجاد شبکه‌های صنعتی و تقویت همکاری‌های بین‌بنگاهی در سطوح داخلی و بین‌المللی از الزامات توسعه شیوه‌های نوین سازماندهی صنعتی است.

دگرگونی‌های ساختاری در تجارت کالایی جهان و

رقابت‌پذیری صنعتی

تحول در ساختار تولید جهانی که در شکل‌گیری آن

فناوری‌های جدید، تغییر در الگوهای تقاضا و عوامل

یافت. یک گرایش عمده دیگر در تحول ساختار تجارت کالایی جهان، تغییر ترکیب صادرات کشورهای در حال توسعه و افزایش سهم آن‌ها در تجارت اجزا و قطعات صنعتی است. کشورهای در حال توسعه در زمینه صادرات تکنولوژی طلب از لحاظ آهنگ رشد از کشورهای پیشرفته صنعتی سبقت گرفته‌اند. در سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۸۵ سهم کشورهای در حال توسعه در صادرات محصولات صنعتی غیرمتکی به منابع طبیعی از ۱۷/۵ به ۲۰/۸ درصد و در کشورهای در حال گذار از ۰/۶ به ۲/۴ درصد

افزایش یافته است. در سال ۲۰۰۰ مجموع صادرات با محتوای فناوری برتر کشورهای در حال توسعه معادل ۴۵۰ میلیارد دلار - یعنی ۶۴ میلیارد دلار بیشتر از صادرات کالاهاى نخستین، ۴۵ میلیارد دلار بیشتر از صادرات با فناوری پایین، ۱۴۰ میلیارد دلار بیش از صادرات با فناوری متوسط و ۲۱۵ میلیارد دلار بیش از صادرات محصولات صنعتی وابسته به منابع طبیعی - بوده است. در همین حال فرایند تخصصی شدن فعالیت ها و تفکیک و تقسیم زنجیره های ارزش و مراحل مختلف تولید و همچنین

جریان تمرکززدایی در ابعاد مکانی و بنگاهی موجبات رشد تجارت اجزا و قطعات و همچنین مبادلات گسترده بین بنگاهی و درون بنگاهی را در سطح بین المللی فراهم آورده است و سهم تجارت اجزا و قطعات را در تجارت جهانی بسیار افزایش داده است. رشد صادرات صنعتی جهان در دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی به ترتیب ۱۰/۶ و ۷/۲ درصد بوده است در حالی که صادرات اجزا و قطعات در این دو دهه به ترتیب ۱۲/۱ و ۹/۶ درصد افزایش یافته است و در نتیجه

سهم آن در صادرات صنعتی در فاصله سال های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۰ میلادی از ۱۳/۲ درصد به ۱۸/۵ درصد رسیده است. در همین دوره سهم کشورهای در حال توسعه در صادرات اجزا و قطعات از چهار درصد به ۲۱ درصد افزایش یافته است و این عملکرد به طور عمده حاصل مشارکت آن ها در تولید بین المللی و پیوندشان با زنجیره های ارزش جهانی بوده است.

طی دو دهه گذشته صادرات کالایی جهان به طور متوسط سالانه بیش از هشت درصد افزایش یافته است. لیکن بین محصولات صادراتی گوناگون و گروه های کالایی مختلف

تفاوت میزان رشد بسیار زیاد بوده است. شماری از کالاها و گروه های کالایی رشد متوسط شان طی این دوره کاملاً بیشتر از رشد مجموع صادرات کالایی جهان (در مواردی دو برابر آن) بوده و در نتیجه بر سهم بازار این محصولات و گروه های کالایی افزوده شده و برخی دیگر از جمله پاره ای از کالاهاى نخستین و محصولات صنعتی (به ویژه آن بخش از ماشین آلات که در طبقه بندی استاندارد تجارت بین المللی ذیل کدهای ۷۱ و ۷۲ قرار دارند) صادرات شان را کد پاروندى رو به کاهش داشته است. در مطالعه ای

که آنکساد در زمینه کالاها و محصولات پویا در صادرات جهان انجام داده، ۴۰ محصول که سهم آن ها در تجارت جهانی در سال ۲۰۰۰ حداقل ۳۳/۰ درصد بوده و در عین حال در دوره ۱۹۸۵-۲۰۰۰ سهم بازارشان نیز افزایش یافته استخراج و بر حسب افزایش سهم بازار مرتب و رتبه بندی شده اند. این ۴۰ محصول تنها پنج درصد از محصولات مورد مطالعه (۷۸۶ محصول در حد تفصیل کدهای چهار رقمی طبقه بندی استاندارد تجارت بین المللی SITC Rev. 2) را دربر می گرفته است. اما

ارزش صادرات آن ها در سال ۲۰۰۰ معادل ۴۰ درصد ارزش صادرات کالایی جهان (۲۰۳۱ میلیارد دلار) بوده است. در همین حال این محصولات در مجموع ظرف ۱۵ سال ۱۹۸۵-۲۰۰۰ از رشد متوسط سالانه ای در حد ۱۲ درصد برخوردار بوده (در مقایسه با رشد ۸/۲ درصد کل صادرات جهان) و سهم بازارشان ۱۵ درصد افزایش یافته است. ۱۹ محصول از ۴۰ محصول مورد بحث در سه صنعت الکترونیک، خودرو و پوشاک معادل یک چهارم ارزش واردات جهان را در سال ۲۰۰۰ دربر می گرفته و



۱۰ درصد رشد مجموع تجارت جهانی در دوره ۲۰۰۰-۱۹۸۵ نیز حاصل عملکرد این ۱۹ قلم کالا بوده است.

از بررسی تحولات ساختاری که در ترکیب تجارت جهان رخ داده و همچنین با بررسی روند تغییرات گروه‌های کالایی که بر حسب شدت فناوری طبقه‌بندی شده است و پیکربندی جغرافیایی این دگرگونی‌ها پاره‌ای گرایش‌های مهم از دیگر رقابت‌پذیری صنعتی مطرح می‌شود که مهم‌ترین آن عبارتند از:

- رشد صادرات عموماً با ارتقای فناوری و حرکت به سوی تولید و صدور محصولات پیچیده‌تر و با شدت فناوری بیشتر و همچنین افزایش کیفیت و کارآمدی فعالیت‌های صادراتی موجود همراه بوده است. گذشته از این گزینش جایگاه‌های مناسب تولید متضمن انتقال از بخش‌های با رشد کند به بخش‌های پویا و بالنده از عناصر اصلی استراتژی رقابت‌پذیری کشورها بوده است. اکثر صادرکنندگان موفق در گروه کشورهای در حال توسعه فرآیند گسترش و تعمیق صنعتی شدن و توسعه صادرات‌شان را از محصولات و کارکردهای ساده آغاز کرده و به تدریج و طی زمان اما به گونه‌ای پیوسته (همراه با ارتقای کیفیت محصولات صادراتی که تولید می‌کرده‌اند) به سوی تولید و صدور محصولات و عهده‌دار شدن کارکردها و فعالیت‌های با محتوای فناوری بالاتر حرکت کرده‌اند.

- عملکردهای برتر بدون گسترش و تعمیق توانمندی‌های صنعتی در داخل، خطر ناپایداری را در فرآیندهای توسعه صنعتی به همراه دارد و بدون توسعه عناصر ساختاری مؤثر بر عملکردهای صنعتی، به کارگیری این الگو، اقتصادهای موردنظر را در بلندمدت در معرض آسیب‌پذیری ناشی از فرسایش رقابت‌پذیری (در شرایط افزایش دستمزدها و تغییرات فناوری) قرار می‌دهد و سرانجام عملکردهای صنعتی پایین‌تر از حد توانایی‌های صنعتی عموماً معلول فضای نهادی و مقرراتی نامناسب و بی‌ثباتی اقتصادی بوده است.

- اتصال به شبکه‌های تولیدی - تجاری - تکنولوژیک بین‌المللی از عوامل مهم ارتقای توانمندی‌ها و رشد و رقابت‌پذیری صنعتی محسوب می‌شود. در همین حال شرکت‌های فراملیتی نقش و سهم عمده‌ای را در عملکرد صادراتی کشورهای صادرکننده برتر در جهان به ویژه در حوزه صدور کالاهای پویا و بالنده در تجارت جهانی عهده‌دار بوده‌اند و این نقش در سال‌های اخیر گسترش یافته است. سهم بنگاه‌های خارجی وابسته به شرکت‌های فراملیتی در صادرات صنعتی چین ۴۴ درصد (سال ۲۰۰۱)، در مالزی ۴۹ درصد (سال ۱۹۹۵)، در جمهوری کره ۱۵ درصد (سال ۱۹۹۹)، در تایوان ۱۷ درصد (سال ۱۹۹۴)، در سنگاپور ۳۸ درصد (سال ۱۹۹۹)، در مجارستان ۸۶ درصد (سال ۱۹۹۹)، در مکزیک ۳۱ درصد (سال ۲۰۰۰) و در ایرلند ۹۰ درصد (سال ۱۹۹۹) بوده است. اهمیت شناخت روندهای ساختاری و حوزه‌های برتر در تجارت کالایی جهان به ویژه از

آن باب است که رشد تقاضای (حقیقی) داخلی و اتصال به تقاضای بین‌المللی دو عامل تأثیرگذار در تحول صنعتی بلندمدت کشورها به شمار می‌رود. موفقیت در زمینه ورود به بخش‌هایی از تولید صنعتی که از دیدگاه تقاضای جهانی و رشد آن دارای پتانسیل‌های قابل ملاحظه‌اند و همچنین رشته‌ها و گروه‌های کالایی که دارای ارزش افزوده بالا و رشد بهره‌وری سریع‌اند، به طور طبیعی امکانات گسترده‌تری را برای استفاده از بازده صعودی و بازارهای وسیع فراهم می‌آورد. با ملاحظه این مطلب جایگیری مناسب در نظام جدید تقسیم کار بین‌المللی و ورود به حوزه‌های برتر تولید و تجارت کالاهای صنعتی ناگزیر از الزامات مهم توسعه و رقابت‌پذیری صنعتی به شمار می‌آید.

گرایش‌های جدید در عرصه توسعه صنعتی جهان:

صنعت جهان در دو دهه آخر قرن بیستم شاهد ظهور دیدمانی تازه در عرصه فناوری و شکل‌گیری یک نظام فنی - اقتصادی متفاوت با دوره‌های پیشین بوده است. در این دیدمان، فناوری‌های جدید با شیوه‌های مدیریتی و سازماندهی‌های نوین صنعتی توأم گردیده و به پیدایی اشکال گوناگونی از پیوندهای درون بنگاهی و بین بنگاهی در سطح بین‌المللی منجر شده است. نقش دانش و دانایی در فرآیندهای تولیدی - صنعتی بسیار اهمیت یافته است و جریان مبادله اطلاعات بین کارگزاران و فعالان در حوزه‌های اقتصاد و صنعت گسترش چشم‌گیری پیدا کرده است. تغییرات فناوری موجب گردیده است که روابط اقتصادی بین‌المللی دگرگون شود و با تحولاتی که در زمینه جریان‌های سرمایه، تکنولوژی، نیروی انسانی و تولید و همچنین مالکیت اطلاعات و حقوق دارایی‌ها رخ داده، الگوهای جدیدی از مزیت‌های نسبی در زمینه تولید و تجارت کالاهای صنعتی پدیدار شده است. اگرچه کانون اصلی پویش فناوری و دگرگونی‌ها در جهان صنعتی متمرکز بوده و هست، اما کشورهای در حال توسعه به طور عام و ایران به طور خاص نیز ناگزیر در معرض این تحولات در مناسبات اقتصادی - صنعتی جدید قرار خواهند گرفت و تنها در صورت انطباق با این شرایط و زمینه‌سازی برای جای‌گیری مناسب در نظام نوین تقسیم کار و همچنین ورود در شبکه‌ها و زنجیره‌های ارزش بین‌المللی است که می‌توانند جریان توسعه صنعتی خود را به پیش برده و از فرصت‌های تجاری - سرمایه‌گذاری گسترده‌ای که در عرصه اقتصاد جهانی ایجاد شده است، بهره‌مند گردند. مهم‌ترین گرایش‌ها و ویژگی‌های توسعه صنعتی جهان ناشی از تحولات ایجاد شده در فضای نوین فنی - اقتصادی را می‌توان چنین برشمرد:

در زمینه تغییرات و پیشرفت فنی و رقابت‌پذیری:

در فرآیندهای نوین تولید صنعتی، بر سهم اطلاعات، دانش و خدمات افزوده شده است و سهم مواد و نیروی کار کم مهارت در تولید بنگاه‌های صنعتی رقابت‌پذیر تقلیل پیدا کرده است.



صنایع کلاسیک با تولید همانند بازآرایی مجدد شده، مواد جدید و پیشرفته جای مواد سنتی را گرفته و تنوع محصول، طراحی، مدیریت فرایند، بازاریابی، فروش، تبلیغات و ... اهمیت روز افزونه در رقابت صنعتی پیدا کرده است. مزیت‌های ناشی از فراهمی منابع طبیعی در الگوی رقابتی جدید جای خود را به امتیازات و برتری‌های ناشی از دانش و فناوری داده است. به این ترتیب در فضای نوین اقتصاد جهانی با شکل‌گیری رقابت شدید و گسترده در بازار محصولات صنعتی، نوآوری، یادگیری، انعطاف‌پذیری، کیفیت محصول و همچنین تولید محصولات نو و فرآیندها و خدمات جدید در تحقق رقابت‌پذیری، جایگاه ویژه‌ای یافته است و صنایع دانش‌بر و صنایع با محتوای فناوری متوسط و برتر به حوزه‌های پیشتاز صنعتی تبدیل شده است.

در زمینه ظهور ساختارهای جدید سازماندهی تولید:

در سازماندهی‌های نوین صنعتی آرایش‌های سلسله مراتبی جای خود را به شکل‌گیری شبکه‌های درهم آمیخته تولیدی - تکنولوژیک داده است. خوشه‌های صنعتی، نواحی صنعتی ائتلاف‌ها و پیمان‌های استراتژیک، ترتیبات پیمانکاری‌های صنعتی بلندمدت با عرضه‌کنندگان مواد، کالاهای واسطه‌ای، قطعات و ... از مصادیق این نوع سازماندهی است.

انقلاب در فناوری اطلاعات و ارتباطات، امکان تفکیک مراحل تولید صنعتی و شکل‌گیری نظام‌ها و شبکه‌های تولید بین‌المللی را با مدیریت شرکت‌های فراملیتی فراهم آورده است. این مطلب فرصت‌های جدیدی را برای صنعتی شدن کشورهای در حال توسعه متناسب با امتیازات و برتری‌هایشان در قالب زنجیره‌های ارزش جهانی ایجاد کرده است. در همین حال مشارکت بنگاه‌های صنعتی داخلی و خارجی برای در اختیار گرفتن فنون و دانش‌های لازم برای توسعه صنعتی، شرایط جدیدی را برای ارتقای فناوری و تحقق عملکردهای رقابتی مهیا ساخته است. از جمله تبعات مهم شکل‌گیری تولید بین‌المللی و سازماندهی جدید، ظهور برتری‌های رقابتی براساس کارایی و بهره‌وری سیستمیک (و نه انفرادی) در قالب منظومه‌های بنگاهی است. تقویت نقش‌پذیری صنایع کوچک و متوسط در قالب خوشه‌های صنعتی و اتصال آن‌ها به مجتمع‌ها و صنایع بزرگ در زنجیره‌های تولید و تجارت جهانی نیز از نتایج همین آرایش‌های جدید صنعتی به شمار می‌رود.

در زمینه دیدمان و راهبردهای نوین توسعه صنعتی:

در استراتژی‌های نوین توسعه صنعتی ایده‌های خودکفایی، خوداتکایی، درون‌نگری، جایگزینی واردات و ... با راهبردهای برون‌نگر معطوف به ادغام و هم‌پیوندی با اقتصاد جهانی و نیز جایگیری مناسب در مجموعه‌ها و شبکه‌های تولیدی - تجاری بین‌المللی جایگزین گردیده و به کارگیری سیاست‌های فعال در جهت بهره‌برداری از مزیت‌های مکانی متناسب با الزامات الگوی جدید رقابت به منزله عنصر مهمی در راهبردهای صنعتی

مطرح شده است.

در انطباق با رژیم‌های نوین تجارت و سرمایه‌گذاری در جهان، رویکردهای سیاست‌گذاری صنعتی نیز دستخوش تغییر شده و سیاست‌های تبعیضی - گزینشی جای خود را به سیاست‌های کارکردی مبتنی بر ایجاد فضای مناسب و ارتقای توانمندی‌های صنعتی داده است. در این راهبردها اگرچه ظرفیت‌سازی هنوز عامل مهم رشد و توسعه صنعتی محسوب می‌شود، اما به واسطه الزامات رقابت‌پذیری، مطلب ارتقای قابلیت‌های رقابتی صنایع برای نفوذ در بازارها و شبکه‌های بین‌المللی از اولویت بالایی برخوردار شده است. به کارگیری ضوابط رشد و توسعه پایدار و ملاحظات زیستی محیطی و همچنین تکیه بر پیمان‌های منطقه‌ای به منزله عامل مهمی در توسعه صنعتی کشورها در هدف‌ها و سیاست‌گذاری‌های ملی مورد تأکید قرار گرفته است.

اقتصاد ایران: درهم آمیزی بین‌المللی و توسعه اقتصادی

- صنعتی

اقتصاد ایران به لحاظ نفت و نقش و سهم غالب آن در تولید ملی و صادرات برون‌گرا محسوب می‌شود، اما به لحاظ رویکردهای نهادی - سیاستی باید آن را در زمره اقتصادهای درون‌گرا به شمار آورد. سطح و سرعت درهم‌آمیزی اقتصادی ایران با اقتصاد جهانی در دو دهه گذشته و در مقایسه بین‌المللی بسیار محدود بوده است. بررسی عملکردهای صنعتی ایران در دوره ۲۰۰۰-۱۹۸۰ براساس ارزش افزوده، صادرات و ساختار فناوری فعالیت‌ها و مقایسه آن با عملکردهای صنعتی در جهان و در کشورهای در حال توسعه بیان‌گر آن است که بخش صنعت ایران طی این دو دهه در مجموع با نوعی ایستایی در فرآیند انطباق با الزامات تجاری - صنعتی بین‌المللی و تحولات فناوری رویارو بوده است. طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ سرانه ارزش افزوده صنعتی ایران از ۲۱۹ دلار به ۲۷۲ دلار و سرانه صادرات صنعتی از ۱۸ دلار به ۳۳ دلار افزایش یافته است. سرانه صادرات صنعتی جهان و کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۹۸ به ترتیب برابر ۸۲۱ دلار و ۲۴۲ دلار بوده است. از لحاظ ساختار فناوری فعالیت‌های صنعتی نیز در شرایطی که سهم فعالیت‌های با محتوای فناوری متوسط و برتر در ارزش افزوده صنعتی جهان و کشورهای در حال توسعه به ترتیب ۵۸/۷ و ۴۸/۷ درصد بوده است، سهم این‌گونه فعالیت‌ها در ارزش افزوده و صادرات صنعتی ایران به ترتیب ۳۳/۷ و ۴۰/۲ درصد بوده است. سهم فعالیت‌های با محتوای فناوری‌های برتر در صادرات صنعتی جهان و کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۹۸ به ترتیب ۲۵/۱ و ۲۸/۱ درصد بوده است، اما سهم این‌گونه فعالیت‌ها در صادرات صنعتی کشور تنها ۰/۴ درصد بوده است که نشانه فاصله بسیار زیاد بخش صنعت ایران با ویژگی‌های کنونی فعالیت‌های صنعتی در جهان و در کشورهای در حال توسعه است. به این

ترتیب عملکرد بخش صنعتی ایران طی این دوره بسیار محدودتر و فشرده‌تر از آن بوده است که قدرت و توان واقعی رشد این بخش را در یک دوره بلندمدت متناسب با الزامات و امکانات بازارهای داخلی و خارجی - حتی در مقایسه با کشورهایی که از توان به مراتب کمتری نسبت به ایران برخوردار بوده‌اند - منعکس سازد.

برای کشورهای در حال توسعه به طور عام و ایران به طور خاص در هم‌آمیزی و پیوند با اقتصاد جهانی از دیدگاه دسترسی به بازارهای گسترده و

همچنین تکنولوژی پیشرفته،

گسترش امکانات مبادلاتی

کالاها و جریان سرمایه

خصوصی خارجی

فرصت‌های جدید

را مطرح می‌سازد

که در مجموع

می‌تواند فرآیند

رشد اقتصادی

و توسعه

صنعتی را در

این کشورها

تسهیل و تسریع

کند. اصلاحات

اقتصادی در این

کشورها و اتخاذ

استراتژی‌های برون‌گرا و

معطوف به رشد و توسعه

صادرات در عین حال هم فرآیند

جهانی شدن را تقویت می‌کند و هم شرایط

بهره‌مندی این کشورها را از مزایای این گونه

یکپارچه‌گی جهانی مهیا می‌سازد. در تجربه‌های

موفق، این گونه اصلاحات با افزایش کارایی و

بهره‌وری و ایجاد فضای مساعد برای رشد صادرات و

جلب و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی تأثیری

اساسی بر شرایط اقتصادی و بهبود چشم‌اندازهای

رشد اقتصادی - صنعتی این کشورها گذاشته است.

جهانی شدن همراه با

ایجاد فرصت‌های تازه،

چالش‌هایی را نیز برای

این کشورها مطرح

می‌سازد. درهم‌آمیزی با

اقتصاد جهانی مستلزم استقرار فضای آزادتر

برای تجارت و سرمایه‌گذاری و محیطی اطمینان بخش

برای کارگزاران اقتصادی داخلی و خارجی است. در فضای جدید اقتصاد جهانی، گسترش بازار و فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری با رقابت‌های بسیار فشرده و شدید توأم است، کشورهایی که نتوانند خود را برای استفاده از این فرصت‌ها مهیا سازند، این فرصت‌ها می‌تواند به تهدیدهای جدی برای آن‌ها مبدل شود و ایران نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود.

فرآیند توسعه اقتصادی - صنعتی آینده ایران و دستیابی به

رشدی پایدار و پیوسته، که مستلزم ثبات

اقتصادی، توسعه سرمایه‌های

فیزیکی و انسانی، افزایش

بهره‌وری، پویایی و تنوع

ساختار تولید

ورقابت‌پذیری و

جایگیری در

حوزه‌های برتر

تولید صنعتی و

تجارت در

نظام نوین

تقسیم کار

بین‌المللی

است، با توجه

به امتیازات

برشمرده می‌تواند

فرآیند درهم‌آمیزی

و پیوند اقتصاد و

صنعت کشور را با اقتصاد و

صنعت جهانی به گونه‌ای

مطمئن و متقارن (صادرات کالاها و

خدمات در برابر واردات کالاها و خدمات

با تأکید بر نقش و سهم عمده کالاهای صنعتی)

فراهم آورد و مبنای امنیت و اقتدار ملی کشور را

تحکیم و تقویت کند. گزینش استراتژی توسعه

اقتصادی - صنعتی آینده ایران در چارچوب

گرایش‌ها و روندهای مسلط اقتصادی

- صنعتی در جهان باید

بر محور هم‌پیوندی

اقتصاد و صنایع

ایران با اقتصاد و

صنایع جهانی و

ادغام استراتژیک

و دوسویه در

بازار بین‌المللی

شکل گیرد.

